

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

س. رها  
۰۹ سپتمبر ۲۰۱۳

## بلی، انقلابی که به آن خیانت شد!

(۳)

نفی نقش دهقانان در انقلاب از طرف تروتسکی، از کجا آب می خورد؟

برای روشن شدن مسأله مجبوریم کمی به عقب برگردیم:

زمانی که "دسته آزادی کار" در روسیه در سال ۱۸۸۳ توسط پلخانف ایجاد گردید، لبه تیز تیغ مبارزاتی خود را متوجه گروه "ناردونیک" ها گردانید که در واقع آنها نقش کارگران یا پرولتاریا را در انقلاب نفی می کردند ولی خود دسته "آزادی کار" بر همین بستر چنان سنگین امید که این بار دهقانان از انقلاب کردن طرد گردید، در واقع از منظر این گروه، دهقانان نمی توانست یک طبقه انقلابی باشد که در مبارزات رهائی بخش پاپرولتاریا، تشریک مساعی نماید. "به غیر از بورژوازی و پرولتاریا مانیروهای دیگری را نمی بینیم که مخالفین یا دسته های انقلابی به آنها تکیه کنند" (پلخانف- جلد سوم- نقل از تاریخ حزب کمونیست بلشویک شوروی، فصل اول)

و این بار تروتسکی با اندکی رنگ و روغن نمودن، دوباره همین تئوری پوچ و ضد مارکسیستی را بیان می کند: "نباید در مورد امید های اغراق آمیز در مورد نقش انقلابی دهقانان امید وار بود" (مقاله از تروتسکی در روزنامه فرانسوی "ناشه سولو")

خوبست در همین جا بلافاصله روی "پست خوک" گونه تروتسکی و اسلافش را بایک سیلی جانانه از لنین، ببندانیم: "انقلابیون باید متحد گردند، یعنی مایاید باتمام نیروی خویش به دهقانان کمک کرده و با آنها متحد گردیم که انقلاب دموکراتیک به پیروزی برسد تا این که برای ما، برای حزب پرولتاریا، گذار به سوی وظیفه تازه و عالی تری، یعنی گذار به سوی انقلاب سوسیالیستی در اسرع وقت، آسان تر امکان پذیر گردد" (لنین- کلیات آثار، جلد هشت - تأکید از من است)

این نظرات غلط و انحرافی پلخانف بود که مبانی انحرافات بعدی منشویکی وی را تشکیل می داد تا این که از پرولتاریا بخواهد که نباید دست به اسلحه ببرد تا مبادا بورژوازی که درجمله حریر و نازک که به روشنی می شد از زیر آن استبداد و ارتجاع تزار را دید، که روی بعضی آمل شخصی در صف جنبش آمده بود، برمد و از انقلاب رو گردان شود - لنین مبارزه بی امانی را علیه نظرات غلط و تخریب کننده این گروه انجام داد- برای پلخانف و گروهش که هیچ گونه ارتباط و مشابهتی با افکار «حزب کمونیست بلشویک» نداشت، بیان این گونه افکار نادرست و غیر

انقلابی و عدم درک شان از مارکسیسم، تاجائی، یک امر عادی تر محسوب می شود که می توان عمده دلیل این چنین افکار و نظرات نادرست را در نوزاد بودن جنبش انقلابی و مارکسیستی در درون این گروه دریافت ولی تروتسکی، این به اصطلاح "استراتژیست انقلابی" و مارکسیست رنگ باخته که حسادت می ورزد تا غیر از خودش کسانی دیگر نیز، مارکسیست و تئوری دان نامیده شود، زمانی که این مهملات را دوجین دوجین به خورد جنبش های انقلابی داده و در پی شکست های «پی در پی» این تئوری های پوده اش، باز هم تا آخر بر آن پایکوبی دارد، نمی توان گفت که هنوز مارکسیسم در روسیه در مرحله آغازین خود قرار داشته و انقلابیون هیچ پراتیکی را در این زمینه پشت سر نگذاشته اند تا اتحاد آن را با تئوری های صحیح و ناصحیح در مقایسه قرا بدهند و به دنبال آن یک تئوری انقلابی درست و مارکسیستی واقعی را از درون پراتیک شان بیرون کرده باشند، نه! به هیچ وجه اینطور نیست، مارکسیسم به اندازه کافی در روسیه نهادینه گردیده و حتا از آن هم فراتر رفته و توسط لنین همه جانبه گسترش و توسعه داده شده است. تروتسکی با وجودی که بی شرمانه خود را بلشویک و از آن هم بی شرمانه تر رهبر انقلاب می داند، در افاضات خود حتی از پلخانف هم پلخانف تر شده است و در عمق لجن زار منشویکی دست و پا می زند تاجائی که در این چند مورد مشخص رویزونیستی خود، دست منشویک هارا نیز از پشت بسته کرده و خود، راهی استقامت نامعلوم رویزونیستی و غرق شدن در مرداب خیانت، می گردد. پس نمی توان تروتسکی را حتا یک منشویک پیگیر نامید بلکه تروتسکی و تروتسکیسم عبارت است از بورژوازی مکار و فریبنده که با جامعه انقلابی در درون احزاب نفوذ کرده است و باید افشاء گردد.

تروتسکی هر زمانی که لقمه را در هر طرف چرب تر دیده است به همان طرف لولیده است و از سیاست، دورویی و چال و نیرنگ تعبیر نموده است، جناب شان، زمانی، طبق صوابدید منافع، منشویک بود ولی در زمان دیگر روی همین منافع او یک بلشویک سرسپرده می شد و در این جا هم وقتی می دید مبارزه است و مبارزه از خودگذری کار دارد، پیکار و مبارزه بیشتر می خواهد و دقیقاً می دید که «انقلاب نشستن در مجلس مهانی نیست، انقلاب گلدوزی نیست، انقلاب خیاطی نیست» انقلاب نشستن و خوش و بش گفتن بایکدیگر نیست (جملات داخل گیومه، از مائوتسه دون است)، تروتسکی که خود را در لباس یک مبارز واقعی باز یافته نمی توانست این بار مجبوراً باید «اپوزیسیون» می شد و اعمال مبارزان را به نقد رویزونیستی خود می گرفت و برای تبرئه خود تئوری تُف می کرد که: انقلاب در یک کشور و آنهم کشور عقب مانده ای مثل روسیه غیر ممکن است.

**دریک جامعه طبقاتی، تمام پدیده ها، خصلت طبقاتی داشته و ناگزیر باید در یک جبهه مشخص بغلتند، جبهه انقلاب و جبهه ضد انقلاب.**

این جهانی بینی است که میانی و مفاهیم مارکسیسم بر روی آن نهاده شده و مارکسیست ها با همین دید، مبارزه خود را آغاز می نمایند ولی تروتسکی زمانی که می گوید، دهقانان بخشی از نیروهای انقلابی بوده نمی توانند و بنابراین اتحاد آنها با پرولتاریا یک امر ناممکن و غیر قابل اعتماد است، توضیح نمی دهد که روی کدام جهان بینی و از کدام دریچه این تئوری های نازدانه اش را استقراغ می کند و به دنبال آن "حال بی حال" شده به یاهه سرائی می چسپد تا این مولود حرام زاده خود را بالباس مارکسیسم به بازار عرضه کند و نیز او توضیح نداده است در صورتی که دهقانان نتوانند در جبهه انقلاب قرار گیرند پس آنها را به کجا باید روان کرد، «پشت کوه قاف»؟ یا روی آن سرپوش گذاشته تا به یک آثار "عتیقه" و "انتیک" تبدیل گردد؟ زمانی که دهقانان نتوانند به یک نیروی انقلابی مبدل گشته و با پرولتاریا متحد گردند، لابد باید در نقطه مقابل پرولتاریا و در جبهه ضد انقلاب قرار گیرند و در نهایت

دشمن پرولتاریا بوده و باید علیه آنها جنگید... ، هدف ضربه زدن به مارکسیسم-لنینیسم است نه دفاع از انقلاب، ستالین بزرگ به بازی گرفته شده است تا مارکسیسم-لنینیسم از پا در آید.

[سخنی با تروتسکیست های شرم گین وطنی: آقایان! باید اعتراف کنید که قبل از همه شما شرف و وجدان خود را در پیش پای دشمن قربانی کردید و به عاریت از تئوری های خیانت آمیز پاپ تان، از جنبش انقلابی کشور می خواهید تا نباید به ضد استعمار و استبداد لب بگشاید، چون طبق تحلیل شما مبارزه و انقلاب در شرائطی امروزی کشور که به شدت عقب مانده است، یک امر بیهوده و وقت تلف کن است و درچنین شرائطی، انقلابیون باید "اعتکاف" گونه درکنج مسجد نشسته و به خاطر پیشرفت تولید درکشور، مشغول مطالعه در آثار پیشوای تان، تروتسکی، باشد.]

ادامه دارد...